



## خرافه گرایی در عزاداری دلایل شکل گیری و راه برون رفت از آن

پدیدآورده (ها) : عبداللہی، محمد اسماعیل  
علوم اجتماعی :: پژوهش های اجتماعی اسلامی :: مهر و آبان 1390 - شماره 90  
از 207 تا 236

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/883573>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی  
تاریخ دانلود : 29/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## خرافه گرایی در عزاداری؛ دلایل شکل‌گیری و راه‌برون رفت از آن\*

□ محمد اسماعیل عبداللهی<sup>۱</sup>

□ پژوهشگر علوم اسلامی، مدرس حوزه و دانشگاه

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

### چکیده

عزاداری در شهادت معصومین به ویژه حضرت سیدالشهداء علیه السلام یکی از سنت‌ها و مراسم مهم شیعیان است که به عنوان شاخصی مهم مکتب تشیع، از صدر اسلام توسط اهل بیت علیهم السلام، عاشقان و رهروان آنان حفظ و برقرار گردیده است.

طبیعی است که پس از گذشت قرن‌ها از این وقایع تاریخی و سرنوشت‌ساز و جبهه‌گیری شدید دشمنان و طاغوتیان زمان، این حقایق تاریخی، به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه توسط دشمنان و یا متأسفانه دوستان جاهل، دست‌خوش تحریف گردد.

نگارنده در ابتدای این مقاله تلاش کرده است تعریف صحیحی از عزاداری

ارائه دهد و به بیان تاریخچه و فلسفه عزاداری بپردازد. در ادامه آسیب‌ها و آفت‌هایی که در عزاداری معصومین علیهم‌السلام، به ویژه حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام، راه پیدا کرده است بیان شده که به سه دسته زیر تقسیم می‌شوند:

(۱) آسیب‌ها در بعد اندیشه و مبانی فکری؛ مثل شبهات وهابیت، توطئه‌های استکباری، سوء استفاده‌ی سکولاریزم، نگاه کاسب‌کارانه به مقوله‌ی عزاداری و...

(۲) آسیب‌ها در بعد گفتار و نوشتار؛ مانند خواندن روضه‌های دروغین و بی‌پایه، به کار بردن الفاظ و ادبیان سخیف، محو شدن برخی سنت‌های پسندیده، گرایش به تفکر صوفی‌گرایانه و عزلت‌نشینی و توجه نکردن به مسائل اجتماعی و سیاسی، گرایش‌های عامه‌پسند (که در بعد اندیشه نیز مطرح می‌شود)، و...، که همه‌ی این مصادیق به سه محور تحریف، تضعیف و بدعت برگشت می‌کند.

(۳) آسیب‌ها در بعد رفتار که برگشت به حوزه‌ی عملکرد دارد؛ مثل شور محوری به جای شعور محوری، کاسب‌کاری، توجه بیش از حد به قالب و ظاهر مداحی تا محتوا، باند بازی و مرید بازی، ارتباط نداشتن با علما و روحانیت و...

عامل و انگیزه به وجود آمدن این گونه آسیب‌ها را می‌توان نقش حکومت‌ها و تاریخ نگاران درباری، خشک مغزی و جمود فکری، دگرگونی فضای اجتماعی و تغییر در گفتمان عاشورا و نگاه تقدیرگرایی در تفکر دینی برشمرد، که برای رفع و جلوگیری از ورود چنین تحریف‌هایی، توجه عملی به فرمایشات علما و مراجع عظام تقلید، به ویژه رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی ره و مقام معظم رهبری (مد ظله‌العالی)، رعایت بایسته‌های عزاداری، آشنایی با احکام عزاداری و عمل به آنها پیشنهاد می‌گردد. واژگان کلیدی: امامت، قیام، عزاداری، آسیب، آفت، تحریف.

بی‌شک حماسه‌ی حسینی و قیام حضرت سیدالشهداء حسین بن علی علیه السلام با ظرفیت‌ترین بستر تبلیغ و پیام‌رسانی دین است. آن حضرت علیه السلام در مواضع مختلف، در بیان اهداف حرکت خویش اشاراتی به وضع موجود جامعه داشته و از نابسامانی‌های فکری و انحرافات عقیدتی و عدم تشخیص صحیح حق و باطل و گمراهی اهل زمانه و فتنه‌گران و دورویی منافقان خبر داده است. لذا اساس و محور حرکت خود را احیای سنت و سیره‌ی پدر و جد بزرگوارش علیه السلام قرار داده و برای امر به معروف و نهی از منکر بزرگ‌ترین هجرت و جهاد دنیا را انجام داده است؛ هجرتی که بتواند مبدأ یک تاریخ فکری باشد و دو جریان ماندگار تاریخ بشریت یعنی جریان حق و باطل را به نمایش بگذارد و شاخص‌های دقیق شناخت حق را از باطل که به نحو شدیدی از سوی مخالفان و دغل‌بازان برای بسیاری از مردم شبه‌ناک شده بود، روشن نماید. بنا به فرموده‌ی حضرت علی علیه السلام: بهترین بندگان نزد خداوند پیشوایی دادگر و هدایت‌شده و راهبر است، که سنت‌های معلوم را برپا سازد و بدعت‌های مجهول را بمیراند، امام حسین علیه السلام هم در راستای احیای اسلام ناب و میراندن اسلام ساختگی بنی‌امیه قیام کرد.

واضح است که دشمنان حق هیچ‌گاه از دشمنی خود دست برنداشته و همواره در قالب شگردها و دسیسه‌های مختلف در مسیر انحراف این حرکت عمیق فکری و اعتقادی فعالیت کرده‌اند. در شرایط کنونی که دشمنان اسلام و معارف اهل بیت علیهم السلام، به خوبی از نقش عاشورا در تعالی ارزش‌های اخلاقی بین عوام و خصوصاً جوانان آگاهند و در ناتوی فرهنگی خود، نوک تیرها را به سمت باورهای عمیق فطری مردم نشانه رفته‌اند، سعی می‌کنند با ترویج خرافه و غلو و افراط‌گرایی و ایجاد اجتماعات و صرفاً صوری و تهیه و تکثیر محصولات تبلیغاتی و چشم‌ریا از قبیل تماثیل و شمایل منسوب به اهل بیت علیهم السلام حرکت‌های عظیم ارادتمندان به ایشان را از جایگاه معرفتی خویش تنزل داده و به سمت و

سویی بی محتوا سوق دهند. اینجاست که بر همه‌ی دوست‌داران معارف دین لازم است که با آگاهی و معرفت و بصیرت کامل پا در رکاب قافله‌ی امام حسین علیه السلام قرار داده و اعماق جان و دل خویش را از اقیانوس بی‌انتهای انسان ساز آن حضرت سیراب نمایند.

این نوشتار سعی دارد تا با هدف آسیب‌شناسی مجالس عزاداری، به آفت‌ها و آسیب‌های فعلی عزاداری اشاره‌ای داشته باشد و در همین راستا به بررسی علل و انگیزه‌های مختلف ورود این گونه آفت‌ها در مجالس عزاداری و ارائه‌ی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ پیشنهادات عملی بپردازد.

### تعریف عزاداری

عزاداری در شهادت معصومین علیهم السلام، به ویژه حضرت سیدالشهداء علیه السلام، یکی از سنت‌ها و مراسم مهم شیعیان است که به عنوان شاخصه‌ی مهم مکتب تشیع، از صدر اسلام تاکنون توسط اهل بیت علیهم السلام، عاشقان و رهروان آنان حفظ و برقرار گردیده است. عزاداری در فرهنگ معین به معنی شکیبایی در مصیبت و سوگ و ماتم است. عزاداری در اصطلاح به معنای زاری و شیون کردن و به حالت ماتم درآمدن و برای سوگ و مصیبت لباس سیاه پوشیدن و نیز به معنای اقامه‌ی سوگواری به سبب مرگ کسی است.

### تاریخچه‌ی عزاداری

در اسلام نخستین بار پس از جنگ احد و شهادت جناب حمزه، خواهر گرامی وی به نام صفیه بر پیکر غرق به خون برادر به ناله و شیون پرداخت و بعد از آن پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه برای حمزه و شهدای احد اقامه‌ی عزا فرمودند. عزاداری برای مصائب حضرت سیدالشهداء علیه السلام و شهدای کربلا نیز در روز اربعین و توسط حضرت زینب علیها السلام و کاروان اسرا برگزار گردید. پس از آن هر یک از

حضرات ائمه علیهم السلام به مناسبت و با توجه به شرایط، اقدام به اقامه‌ی عزا برای سالار شهیدان علیه السلام می‌کردند.

(۲۱۱)

عزاداری سنتی همان مراسمی بود که صدها سال توسط شیعیان در سراسر عالم برای آن حضرت برگزار می‌شد و شامل سیاه‌پوشی مساجد و حسینیه‌ها و تکایا، اجتماع شیعیان، سخنرانی واعظ دینی، مرثیه خوانی ذاکرین و سینه زنی و اطعام بود. در سده‌ی اخیر برنامه‌هایی به این مراسم افزوده شد که برخی از آنها متأسفانه به تدریج صدماتی به محتوا و ساختار سنتی عزاداری وارد کرد.

### فلسفه‌ی عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه السلام

#### الف - زنده نگه‌داشتن مکتب اسلام

اگر به هدف قیام حضرت امام حسین علیه السلام توجه کنیم، درمی‌یابیم که مهم‌ترین هدف و مقصود آن حضرت زنده نگه‌داشتن اسلام بوده است. چنانچه در روز عاشورا به کوفیان فرمودند: «اگر دین محمد صلی الله علیه و آله به قتل من زنده خواهد ماند، پس ای تیرها و شمشیرها، بر من فرود آید». بنابر این زنده نگه‌داشتن حماسه‌ی امام حسین علیه السلام، زنده نگه‌داشتن اسلام است.

#### ب - نشر فرهنگ عاشورا

نشر معارف انسان ساز نهضت حسینی و معرفی قهرمانان قیام خونین عاشورا، که بهترین اهل زمانه بودند و الگوسازی آن برای نسل‌های آینده و نیز استفاده از آموزه‌های ارزشمند فرهنگ عاشورا.

#### ج - تجدید بیعت با اهل بیت علیهم السلام

در زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌خوانیم: «یا لیتنا کنا معکم فافوز معکم فوزاً عظیماً»؛ ای کاش با شما بودیم و همراه شما به این درجه‌ی عظیم نائل می-

شدیم.

اگر چه ما توفیق حضور و همراهی کاروان حسینی را در واقعه‌ی سال ۶۱ هجری نداشتیم، اما می‌توانیم با آن حضرت علیه السلام عهد و پیمان ببندیم که همانند یاران باوفای ایشان، امام زمان خویش را یاری کنیم.

#### د - اهمیت بالای معنوی و روحانی عزاداری از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

روایات بسیاری درباره‌ی جایگاه عزادار و فضائل سوگواری نقل شده که نشان از اهمیت این امر از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام دارد، از جمله آن روایات: امام صادق علیه السلام فرمودند: گریه کننده جدم از جای خود بر نمی‌خیزد، مگر این که مانند روزی که از مادر متولد شده از گناهان پاک است. حضرت صادق علیه السلام فرمودند: خدا حیا می‌کند گریه کننده‌ی بر حسین بن علی علیه السلام را عذاب نماید.

#### آسیب‌ها و آفت‌های عزاداری، خصوصاً در قیام عاشورا

آسیب‌های عزاداری، به ویژه آسیب‌هایی که مجالس امام حسین علیه السلام را مورد تهدید قرار می‌دهد، را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

#### آسیب‌ها در بعد اندیشه و مبانی فکری

این آسیب‌ها به انگیزه‌ها و جهت‌گیری‌های دست‌اندرکاران این مجالس برمی‌گردد. اهداف راهبردی که بر محتوا و چارچوب این گونه مجالس حاکم است و به این مجالس سمت‌وسو می‌بخشد مانند شبهات وهابیت، توطئه‌های استکبار، سوء استفاده‌ی سکولارها، غفلت از نشر معارف و نگاه کاسب‌کارانه‌ی ذاکران به مقوله‌ی عزاداری. یکی از آن موارد نقشی سازمان سیا در رابطه با فرهنگ عاشورا است که به بخشی از آن اشاره می‌کنیم:

اخيراً کتابی به نام *نقشه‌ای برای جدایی مکاتب الهی* در آمریکا انتشار یافته که در آن گفتگوی مفصلی با دکتر مایکل برانت یکی از معاونان سابق سیا، سازمان اطلاعاتی مرکزی آمریکا، انجام شده است. او در این زمینه می‌گوید بعد از مدت‌ها تحقیق به این نتیجه رسیدیم که قدرت رهبر مذهبی ایران و استفاده از فرهنگ شهادت در انقلاب ایران تأثیرگذار بوده است ... در این گردهمایی تصویب شد که بر روی مذهب شیعه تحقیقات بیشتری صورت گیرد ... به همین منظور چهل میلیون دلار بودجه برای آن اختصاص دادیم و این پروژه در سه مرحله به ترتیب زیر انجام شد:

یکی از مواردی که باید روی آن کار می‌کردیم موضوع فرهنگ عاشورا و شهادت‌طلبی بود که هر ساله شیعیان با برگزاری مراسمی این فرهنگ را زنده نگه می‌دارند. ما تصمیم گرفتیم با حمایت‌های مالی از برخی سخنرانان و مداحان و برگزار کنندگان اصلی این گونه مراسم، که افراد سودجو و شهرت طلب هستند، عقاید و بنیان‌های شیعه و فرهنگ شهادت‌طلبی را سست و متزلزل کنیم و مسائل انحرافی در آن به وجود آوریم، به گونه‌ای که شیعه یک گروه جاهل و خرافاتی در نظر آید (روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، (۱۳۸۳/۳/۵).

### ب - آسیب‌ها در بعد گفتار و نوشتار

آسیب‌های گفتاری و نوشتاری، یعنی محتوای سخنانی که مطابق موازین شرعی و حقایق تاریخی نیست و نهضت عاشورا را تخریب می‌کند. از جمله این آسیب‌ها عبارتند از:

۱) *خواندن روضه‌های دروغ و بی‌پایه*؛ این معضل از قدیم همواره گریبان‌گیر بخشی از جامعه‌ی مداحان بوده و در حقیقت میدانی بزرگ برای آزمایش تقوای مداح به حساب می‌آید. انتخاب این که شما با یک کلمه‌ی دروغ، مجلسی را سرتا پا اشک و داد و فریاد کنید یا این که مقتل را راست و مستند بخوانید و



حتی اگر یک قطره اشک از چشم کسی نریزد و شما صرفاً به وظیفه‌تان عمل کرده باشید، امتحانی است بسیار بزرگ.

آشنا نبودن مداح با تاریخ و مقاتل معتبر و مشهور، باعث می‌شود که در خواندن روضه به ذکر وقایع مجعول و بی‌پایه پناه ببرد و بسیاری اوقات به بهانه‌ی «زبان حال» گفتن، چیزهایی بگوید که موجب وهن و کسر شأن حضرات ائمه علیهم‌السلام شود.

کلام آن حضرات و نحوه‌ی برخورد و سلوک ایشان در هنگام مصیبت دیدن، اضطراب، غم، خشم، شادی و... بسیار ظریف‌تر و دقیق‌تر از آن است که ما و امثال ما بتوانیم در چارچوب زبان حال به جای آن بزرگواران حرف بزنیم، چون در هر صورت زبان حال نیز اثر خود را در ذهن شنونده می‌گذارد و حتی اگر بدانند این‌ها واقعیات و مسلمات تاریخی نیست و ساخته‌ی ذهن مداح است، بالاخره به مرور زمان در شکل‌گیری فضای ذهنی او نسبت به اولیای دین علیهم‌السلام و قیام و نهضت عاشورا تأثیرگذار است.

۲ ( استفاده از اشعار بی‌محتوا؛ یکی از خصوصیات و لوازم مداح شدن در گذشته آشنایی با ادبیات، شناخت شعر و تسلط بر نحوه‌ی اجرای اشعار مختلف بوده است. امروزه اما بعضی مداحان جوان این نیاز را در خود احساس نمی‌کنند و با پیاده کردن اشعار از روی نوار و لوح فشرده بر کاغذ و دوباره خوانی آنها، دیگر حتی نگاهشان به دیوان‌ها و مجموعه‌های شعر نمی‌افتد.

یکی از توصیه‌های مهم رهبر معظم انقلاب به مداحان، اهمیت دادن به شعر و خواندن اشعار سبک و ضعیف در مجالس است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۷/۱۹)، حتی اگر آن شعر ضعیف با اخلاص و حالی خوش سروده شده باشد. متأسفانه جز تعدادی معدود از مداحان بقیه توجه شایسته‌ای به رهنمود ایشان نکردند.

در طول تاریخ نیز شاهدیم که شعر شعرائی مانند کمیت و دعبل و سید حمیری و... به لحاظ ادبی و قوت شعر در جایگاه رفیعی قرار داشته و جزء اشعار محکم و فخیم زمان خود محسوب می‌شده‌اند.

عقل انسان نیز تأیید می‌کند که انسان برای مدح بهترین شخصیت‌های عالم باید از بهترین ابزار و وسایل استفاده کند که یکی از این ابزار و وسایل شعر است.

امروزه در هیئت‌ها، بسیاری از چیزهایی که به عنوان شعر، مخصوصاً در قالب نوحه و شور خوانده می‌شود، حتی فاقد وزن و ردیف و قافیه‌ی صحیح است. نکته‌ی مهم دیگر رواج ادبیات عرفانی و غنایی ایران در هیئت‌های مذهبی، طی سال‌های اخیر است.

۳) به کاربردن الفاظ و ادبیات سخیف؛ ظاهراً به عنوان یک ارزش در بین مداحان مطرح شده که مداح باید داش‌مشدی‌گری و لوطی‌گری را در حد‌اعلای آن رعایت کند. این امر وقتی بیشتر به چشم می‌آید که شما خارج از یک مجلس با شخصی از طیف مداحان برخورد داشته باشید. از مشخصات این ادبیات استفاده از الفاظ سخیفی است که به هیچ وجه در شأن زبانی نیست که به ذکر حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام گویاست. حتی کلفت کردن صدا نیز به تبعیت از همین فرهنگ و گویش کوچه‌بازاری است که در بین بسیاری از مداحان نوجوان و جوان باب شده است و حال آن که این ادبیات هیچ‌گاه در بین بزرگان دینی ما و علمای سلف، سابقه و رواج نداشته و هر چه بوده ادب و وقار و طمأنینه بوده است.

۴) محوشدن برخی سنت‌های پسندیده و مکشوفه خواندن مصیبت؛ یکی دیگر از آسیب‌های محتوایی مداحی امروز این است که مداح وقتی چند دقیقه محدود به روضه خوانی می‌پردازد، روضه را اصطلاحاً مکشوفه می‌خواند. این امر

شاید به این دلیل باشد که بر فن و هنر مرثیه خوانی مسلط نیست.

در گذشته بین جامعه‌ی مداحان بعضی سنت‌های پسندیده رواج داشته است؛ از جمله خواندن قصاید پندآموز و یا خواندن متن یک روایت همراه با ترجمه و توضیح مختصر، که برای آماده‌تر شدن دل‌ها بسیار مفید بود.

۵) **فاصله گرفتن از ماهیت حقیقی و ناب عزاداری؛** برای درک بهتر این موضوع کافی است سری به بهشت زهرا بزنید و بر سر قبر کسی که تازه به خاک سپرده شده و اطرافیان او بر سر مزارش نشست‌اند بروید و گریه و عزاداری آنها را مقایسه کنید با انواع و اقسام مدل‌های سینه‌زنی پاپ و راک و... که این روزها مد شده و به کلی خالی از روح و باطن هستند.

حالات مصیبت زده‌ها را مقایسه کنید با حالت مداحی که در اوج مصیبت خواندن به تنظیم نبودن صدای میکروفن اعتراض می‌کند.

۶) **گرایش به تفکر صوفی‌گرایانه؛** در حقیقت ترویج و اشاعه‌ی دین فردگرایانه، عزلت نشینی و توجه نکردن به مسائل سیاسی و اجتماعی یکی از آفات مهم بعضی از محافل دینی امروز ماست. بی‌توجهی نسبت به مسائلی مانند فقر، فساد، فقدان عدالت اجتماعی، تبعیض و... در بعضی از محافل مذهبی، آفتی است که در صورت بی‌توجهی، نوع دین ورزی جوانان را کاملاً دچار تحریف خواهد کرد و جوانان هیئتی ما به سوی صوفی‌گری و عزلت‌گزینی کشیده خواهند شد. در زمان جنگ مملکت ما نیاز به رزمنده‌ی پر شور و عاشق داشت.

هیئت‌های آن روز نیاز آن روز را به درستی درک کردند و از همین مساجد و هیئت‌ها و روضه‌ها بود که بسیجیان عازم جبهه می‌شدند. برخی از مداحان و ذاکران در مجالس عزاداری می‌گویند ما می‌خواهیم گریه کنیم کاری به سیاست نداریم؛ در حالی که معصومین علیهم‌السلام سیاست‌مداران خلق هستند. کان فی بنی اسرائیل یسوسهم انبیاءهم، انبیا سیاست‌مداران بنی اسرائیل بودند. از یک سو

سکولارها دم از جدایی دین از سیاست می‌زنند و از یک سو متحجرین در پی جدایی دین از سیاست‌اند و این دو گروه در حقیقت دو تیغی یک قیچی هستند که اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را می‌درند.

لازم به ذکر است نمی‌گوییم مجالس مذهبی ما همانند کانون‌های حزبی محل جار و جنجال‌های سیاسی باشد، اما این که در رابطه با اصل نظام اسلامی بی-تفاوت باشند، این آسیب جدی است. نظامی که با رنج‌های بسیار به دست آمده است. جلسات عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام کاملاً سیاسی بود، هم تولی داشت و هم تبری.

۷) **دنباله‌روی از مستمع**: تمایل مخاطب عام، بیشتر به مطالبی است که در جهت تأیید و امید بخشیدن به او و مطابق ذوق و سلیقه‌ی او باشد، نه در جهت اعتراض و اصلاح و فرهنگ سازی. مداح باید خود را از این آفت بر حذر دارد. نمونه‌های بسیاری از این تعامل را این روزها می‌بینیم که مداح طبق خواست و سلیقه صاحب هیئت یا جو حاکم بر یک هیئت خاص می‌خواند و مورد مقبولیت و تأیید آن جمع قرار می‌گیرد. یعنی مداح دنباله روی مستمع می‌شود و به آنچه مستمع می‌پسندد می‌پردازد، به دنبال این است که مستمع از چه خوشش می‌آید.

مثلاً خود مداح مقید به نماز اول وقت است، ولی وقتی در یک جو خاص که به عزاداری بیش از نماز اهمیت می‌دهند قرار می‌گیرد، نه خود نماز اول وقت می‌خواند و نه دیگران را امر به معروف می‌کند.

بعضی از مداحان باتقوا که شاهد اعمال خلاف شرع و شؤونات اسلامی در بعضی هیئت‌ها هستند، از ترس گریز مخاطبانشان از یک تذکر عادی و دوستانه نیز ابا دارند و ترجیح می‌دهند همه چیز را به امام حسین علیه‌السلام بسپارند.

۸) **عرفی‌گری**: به معنی شکستن وجه قدسی و ملکوتی اولیای دین است. در

هنگام خواندن مدح و مرثیه، مداح ممکن است در دو دام بیفتد:

دام اول: اسطوره سازی؛ یعنی مداح شخصیت اولیای دین را همتراز شخصیت‌های اسطوره‌ای قرار می‌دهد و تنها بر یکی از وجوه شخصیتی اولیا تأکید می‌کند، به گونه‌ای که مثلاً حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در حد پهلوان پهلوانان عالم نمود پیدا می‌کند و وجوه دیگر شخصیت ایشان مورد غفلت قرار می‌گیرد.

در حقیقت مداح به دنبال جنبه‌هایی می‌گردد که خود به آنها بیشتر علاقه دارد و در نتیجه مداحان جوان، امیرالمؤمنین علیه السلام را نیز به همراه کمی چاشنی جمال و زیبایی همین طور، و امام حسین علیه السلام می‌شود. مظلومیت محض، نه حماسه‌ای، نه صلابت و هیبتی، نه خطابه و سیاست و حکمتی.

دام دوم: هم ذات پنداری با شخصیت‌های دینی؛ مداح خود را به جای اولیای دین قرار داده و سپس تشخیص می‌دهد که اگر من به جای او باشم در آن لحظه چه حرکتی انجام می‌دهم، و این می‌شود زبان حال! فارغ از این که نگاه آنها به عالم به اندازه‌ی طول و عرض این عالم با نگاه ما به این عالم و اتفاقاتش متفاوت است.

۹) **مصادیق دیگری از جمله:** طبقه‌بندی مستعلمان، اظهار نظر پیرامون مسائلی که در آنها تخصص ندارند، یک جانبه نگری به سیمای معصومین علیهم السلام، غلو، دروغ، بیان مطالب ذلت‌آمیز، بیان سست معارف اسلامی (خواب و مکاشفه)، اظهار مطالب موهن و... که این نوشتار مجال توضیح ندارد. در واقع همه‌ی این مصادیق برگشت به سه محور تحریف، تضعیف و بدعت دارد؛ چنان که یزید و پیروانش نیز همین اهداف را پیگیری می‌کردند.

### ج - آسیب‌ها در بعد رفتار

آسیب‌های رفتاری که برگشت به حوزه‌ی عملکردها دارد، یعنی نوع عملکرد و شیوه‌های نامطلوب اجرای مجالس عزاداری به ویژه مجلس امام حسین علیه السلام، که

چهره‌ی بدی از قیام عاشورا و مذهب شیعه در اذهان بدخواهان ترسیم می‌کند.

از جمله این عملکردهای ناپسند عبارتند از:

(۲۱۹)

۱) استفاده از سبک‌های مبتذل و تقلیدی غربی؛ یکی از مشکلات جدی مداحی‌های جدید رواج بی‌حد و حصر آهنگ‌ها و سبک‌هایی است که هیچ هماهنگی و قرابت و نسبتی با فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام و مجالس آنها ندارد، تا جایی که متأسفانه بعضی از آهنگ‌های مورد استفاده مداحان کپی برابر با اصل موسیقی‌هایی است که شنیدن آن حرام قطعی است.

استفاده از این آهنگ‌ها، جدای از این که دون شأن حضرات اولیا و مجالس آنان است، وقتی برای مخاطبی خوانده شود که قبلاً ولو یک بار این آهنگ را شنیده باشد، تداعی ذهنی نامطلوبی خواهد داشت.

اسلامی که می‌گوید قرآن را حق ندارید با لحن اهل فسق بخوانید، قطعاً اجازه نمی‌دهد که از آهنگ‌های حرام در عزاداری‌ها استفاده شود.

۲) شور محوری به جای شعور محوری؛ رواج نوحه محوری و شور محوری و کم رنگ شدن روضه خوانی یکی دیگر از آسیب‌ها در حوزه‌ی عملکرهاست. درست است که این شور و عشق‌ها و سینه‌زنی‌ها در نهایت تقویت دین است، ما به سهم خودمان خوشحالیم از این که ببینیم به جای این که جوانان در مجالس گناه باشند، در این مجالس حضور یابند. لیکن سخن این است که اگر این شورها با شعور گره نخورد، ماندگار نخواهد بود. متأسفانه در برخی مجالس تنها به مداحی اکتفا می‌شود و این آسیب‌پذیری آنگاه عمق بیشتری پیدا می‌کند که ملاحظه کنیم کم کم مجالس فاتحه هم به این سمت و سو می‌رود که تنها مداح دعوت می‌شود، در حالی که این مجالس از فرصت‌های مناسب توجه دادن مردم به آموزه‌ها و معارف دینی است. اهل بیت علیهم‌السلام می‌پسندیدند که مجالسی که به نام آنها شکل می‌گیرد، محتوایی باشد.

۳) برخوردار کاسب‌کارانه؛ دیگر آسیب‌های عزاداری‌ها برخوردار کاسب‌کارانه با این مقوله است که از مصادیق بارز استئکال به اهل بیت علیهم‌السلام است، که در روایات مورد نکوهش قرار گرفته است. امام صادق علیه‌السلام فرمود: من اراد الحدیث لمنفعة الدنيا لم یکن له فی الاخرة نصیب و من اراد به الاخرة اعطاه الله خیر الدنيا و الاخرة (کلینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶)؛ آن کس که حدیث را برای منفعت دنیا بخواند، در آخرت بهره‌ای ندارد و آن کس که حدیث را برای خدا و آخرت بخواند، خداوند خیر دنیا و آخرت را به او عطا خواهد کرد. حضرت امام علیه‌السلام فرمود: از راه ما - حدیث ما، محبت ما و مانند آن - ارتزاق نکن (همان، ج ۲، ص ۳۳۸). یا ابانعمان لا تستأکل بنا الناس فلا یزیدک الله بذلک الا فقراً؛ از راه ما ارتزاق نکن که خداوند بر فقرت خواهد افزود (شیخ مفید، بی‌تا، ص ۱۸۲).

این مربوط به آنان است که برخوردار کاسب‌کارانه با معارف، مباحث و مراثی اهل بیت علیهم‌السلام دارند و همانند کالا با آن برخوردار می‌کنند. روشن است که حساب آنان که تنها برای خدا در عرصه‌ی نشر معارف و گسترش فضایل و مناقب اهل-بیت علیهم‌السلام تلاش می‌کنند و مردم از سر عشق به خاندان عصمت و طهارت به آنها هدیه می‌دهند، طبق تصریح روایات معصومین علیهم‌السلام از اینان جداست و اینان مورد نکوهش نیستند.

۴) توجه بیش از حد به قالب و ظاهر مداحی؛ در گذشته مداحان، مضامین و محتواهای عالی و بلند را در قالب اشعار و نوحه‌ها و سبک‌های مناسب در اعماق جان شنوندگان می‌نشانند و تمام هنر مداح در این بود که آن مطالب را با تأثیر گذارترین شکل ممکن به مخاطب تحویل دهد.

امروزه، اما قرار است تا در قالب فلان سبک و فلان نوحه و نغمه، محتوایی نه چندان عالی به گوش شنونده برسد و بین این دو روش فرسنگ‌ها فاصله است.

کسانی که تجربه‌ی مداحی دارند می‌دانند که خواندن نوحه، اعم از زمینه، ریز، واحد و یا شور به مراتب آسان‌تر از خواندن مصیبت و روضه است. در حقیقت پختگی و هنر و روحیات یک مداح هنگام خواندن روضه خود را نشان می‌دهد.

۵) **باندبازی و مریدبازی**؛ شاید دلیل رواج آفت اخیر این باشد که مداح به دلیل نداشتن هنر مجلس گردانی و ارتباط با هر نوع مخاطب، فقط در شرایطی خاص و با حضور عده‌ای خاص می‌تواند خوب بخواند و گرمی مجلس او وابسته به همین اشخاص و شنوندگان حرفه‌ای است؛ گریه کن حرفه‌ای، سینه زن حرفه‌ای، کنایه فهم حرفه‌ای و...

در هر صورت این هم یکی از نتایج غفلت از تهذیب نفس است.

۶) **عدم ارتباط با علما و روحانیت**؛ مداح و غیرمداح، اگر با روحانیت و علمای ربانی ارتباط نداشته باشد، در معرض سقوط قرار دارد و فرقی بین بی-سواد و روشنفکر آنها نیست. نتیجه‌ی عدم ارتباط با روحانیت و علمای عامل دین، باز شدن پای انواع و اقسام بدعت‌ها در مجالس عزاداری است.

امام حسین علیه السلام منهای تقوا، امام حسین علیه السلام منهای انجام وظایف اجتماعی و در یک کلام امام حسین علیه السلام منهای دین، از اثرات سوء این جدایی است.

البته در این میان بعضی طلاب و روحانیان و اهل علم نیز بی‌تقصیر نیستند؛ چرا که زمانی عمود خیمه‌ی مجالس حسینی، علما بودند و امروز حاشیه نشین و سخنران قبل از مداحی شده‌اند.

۷) **سایر معضلات عزاداری در بعد رفتاری که عبارتند از:** اسراف و تجمل، رعایت نکردن حقوق دیگران، بی‌توجهی به شعائر دینی، تظاهر و ریا، غفلت از تهذیب نفس و... که این نوشتار گنجایش توضیح آنها را ندارد.



## علل و ریشه‌های ورود تحریفات در عزاداری‌ها

۱) نقش حکومت‌ها و تاریخ نگاران درباری؛ یکی از موضوعات تحریف شناسی عاشورا، شناخت نقش حاکمان جور، به ویژه امویان، در تحریف واقعه‌ی عاشورا و از سوی دیگر، تحریف‌هایی است که از طرف تاریخ نگاران طرفدار مکتب عثمانی، اموی و تأثیر پذیرفتگان از آنها به وجود آمده است. نخستین انحرافی که امویان می‌خواستند به وجود آورند، آن بود که شهادت امام حسین علیه السلام را به قضای الهی و خواست خداوندی نسبت دهند و خود را مبرا سازند. گفتار ابن زیاد با زینب کبری علیها السلام در همین جهت است.

تحریف دوم آن بود که امویان، چه پیش از شهادت و چه پس از آن کوشیدند تا امام علیه السلام را به عنوان فردی شورشی و طغیان‌گر بر ضد حاکم مشروع مسلمانان بنمایانند که مرتکب گناه بزرگ، یعنی خروج بر امام مسلمین شده و از این رو، خون او مباح است. تمام سعی امام علیه السلام نیز از ابتدای حرکت تا پایان آن، بر این است که با سخنرانی‌های افشاگرانه و روشن‌گر، این اتهام و تبلیغ را خنثی کند و مسیر خود را به درستی بشناساند.

اما از سوی تاریخ نگاران عثمانی نیز تحریفاتی در متن و هدف نهضت عاشورا اتفاق افتاد، از جمله این که کوشیدند چهره‌ای از حسین بن علی علیه السلام تصویر کنند که براساس آن، امام فردی جنگ طلب، خشونت‌خواه، دوست دار خون ریزی و تند زبان بوده است و طبیعی است که قتل چنین فردی می‌تواند روا و جایز باشد.

۲) خشک مغزی یا جمود فکری؛ تعصب‌های بی‌جا و خشک مغزی، تباه‌گر اندیشه و فکر است و همین مسأله، از دلایل وقوع تحریف در حماسه‌ی حسینی است.

این موضوع، از چند بعد قابل تبیین است. از یک منظر، تعصب در نقل تاریخ، که چنان چه موافق یا خلاف موضوعی باشد، در همان مسیر حرکت کرده

پژوهش‌های علمی و تحقیقاتی در زمینه‌های مختلف اسلامی - سال هفدهم، شماره بهار (پیاپی ۹۰)، مهر و آبان ۱۳۹۰

و به پردازش دروغ یا حذف قسمت‌هایی از تاریخ انجامیده است. مثال آن، برخورد تاریخ نگاران عثمانی و اموی با قیام امام حسین علیه السلام از سوی، و ساختن نقل قول‌ها و حکایات و روایاتی برای افزودن بر عظمت قیام عاشورا، به وسیله‌ی برخی تاریخ نویسان و مقتل نگاران از سوی دیگر است.

جزم اندیشی نیز قسم دیگری از آن است. برای مثال، تعصب بسیاری از مردم در خصوص فدا شدن امام حسین علیه السلام برای شفاعت گناهان دوست داران آن حضرت و نهادینه شدن آن در میان مردم، به طوری که هیچ سخنی را در این موضوع نمی‌پذیرند و گوینده‌ی آن را سرزنش می‌کنند، از این دست تعصبات است.

قسم دیگر، تعصب به اجرای شیوه‌ی خاصی از عزاداری است که ممکن است برای برخی به صورت رسم و سنت درآمده باشد و هر چه دیگران با بیان و دلایلی آن را نکوهش می‌کنند، باز به دلیل همان تعصب و خشک مغزی حاضر به قبول آن نیستند و بر آن اصرار می‌ورزند، مانند مسأله‌ی قمه زنی.

۳) گویا نشدن تاریخ به وسیله‌ی تحلیل‌گران شایسته و آگاه (جمود تاریخی)؛

ابن خلدون می‌گوید:

یکی از اسباب دروغ، عجز از تطبیق اوضاع و احوال با رویدادهاست (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ج ۱، مقدمه).

بر این اساس، می‌توان یکی از عوامل تحریف واقعه را جمود در تاریخ و گویا نشدن آن به وسیله‌ی تحلیل‌گران شایسته و آگاه تاریخ دانست. عدم بازپروری داده‌های تاریخی توسط آگاهان به آن در حوزه‌های گوناگون معارف، دو آفت عمده را در پی دارد؛ ایستایی، رکود و جمود در تاریخ که موجب عدم انتقال ذهنی و عینی از گذشته به حال و عدم بهره‌گیری مناسب از آن می‌شود که نتیجه‌ی این مسأله، پوسیدگی از درون و نیز عدم آزادگی است و دیگر، بهره-

گیری و تفسیر نادرست تاریخ، به وسیله‌ی تحلیل‌گران بی‌مایه یا مغرض است که به انحراف آن می‌انجامد.

۴) **سهل‌انگاری و تسامح منفی در به‌کارگیری روش‌ها؛** تفکری که امروزه وجود دارد و در گذشته با شدت بیشتری جریان داشته، این است که مسائل مربوط به عزاداری سیدالشهدا علیه‌السلام و روش‌های به‌کار گرفته شده در آن را، تافته-ای جدا بافته از مجموعه‌ی مسائل دینی می‌داند. از این رو، انجام آن به هر گونه-ای، درست است و ثواب دارد و احکام موضوعات عبادی بر آن حمل نمی‌شود. بنابر این، ریا، دروغ و... چنان چه در راه ترویج و تقویت عزاداری ابی‌عبدالله علیه‌السلام باشد، بی‌اشکال است. به‌طور قطع ما هیچ سند دینی که بر این مسأله دلالت داشته باشد، نداریم. به نظر می‌آید که بیشتر گذری روان‌شناختی از برخی روایات عزاداری بدین مسأله باشد که به واسطه‌ی برداشت اشتباه یا مغرضانه صورت گرفته است.

۵) **سکوت یا تأیید نخبگان دینی از این نوع مسائل و گفته‌های غلط؛** از جمله عواملی که در گسترش و شیوع تحریفات و آسیب‌های عزاداری و رشد و نهادینه شدن آنها نقش داشته، سکوت یا تأیید و حمایت نخبگان دینی از این گونه مسائل بوده است. نقش و وظیفه‌ی اندیشمندان، آگاهان، بزرگان و نخبگان جامعه، به ویژه نخبگان دینی آن است که فراتر از درک عامه‌ی مردم، واقعیت‌های سطحی و زیرین جامعه را بشناسند، عوامل رشد و انحطاط را دریابند و به موقع و با روش مناسب، از خود واکنش نشان دهند. اگر همین نخبگان، به هر جهت از انجام وظیفه خود بازمانند، کوتاهی کنند و یا دچار اشتباه شوند، سیر انحراف و انحطاط شتاب بیشتری می‌گیرد.

۶) **تبدیل شدن عزاداری به عادت؛** این مقوله، از آسیب‌های کلی مربوط به آداب دینی است. منظور از عادت نیز، آن چیزی است که بار اندیشه‌ای، برهانی و

معنایی خود را به تدریج از دست داده و به هنجارهای تکراری تبدیل شده است. یکی از دلایل مهمی که فرهنگ عزاداری به طور کامل نتوانسته نقش خود را ایفا کند و آموزه‌های اصلاحی و احیاگرانه‌ی قیام عاشورا را بازتاب دهد، همین موضوع است. بار عاطفی این حادثه قوی است. از این رو، ظرفیت عادت‌پذیری آن به شدت افزایش می‌یابد. بسیاری از آسیب‌های فرهنگ عاشورا، از همین آبخور سرچشمه می‌گیرد. هنگامی که موضوعی به عادت تبدیل شد، دیگر برای به جا آورنده‌ی آن، هدف فقط انجام آن است و با به جا آوردن آن، تخلیه‌ی روانی می‌شود. در چنین صورتی، انتظار معنادار بودن این عمل و پویایی آن، انتظاری بی‌معناست؛ چرا که از هر تأمل عقلانی و حتی در حد افراط آن، هرگونه تأمل عرفانی نیز تهی است. دیگر خود این عمل اصالت خواهد داشت و نه چیزی دیگر. این چنین است که از لحاظ اجتماعی، می‌تواند اثر نامطلوبی نیز داشته باشد، یعنی نقش توجیه‌گر و تخدیرگرانه به خود بگیرد. گاهی توجیه‌گر کار زشت به جا آوردگان می‌شود، گاه دغدغه‌های وجدان را کاهش می‌دهد و گاه نفس ملامت‌گر را به خاموشی وامی‌دارد.

۷) **آمیخته‌شدن فرهنگ‌های قومی و سرزمینی با عزاداری؛ عزاداری، سنتی اجتماعی و مردمی است.** از این رو، هر ملتی و هر سرزمینی، از پیش شکل خاص عزاداری خود را دارد و عزاداری امام حسین علیه السلام را بر همان پایه تبیین و تعریف می‌کند. قالب اصلی و کلی، همان قالب عزاداری خویش است. بدین جهت، نه تنها شکل و ظاهر و ریشه‌ی عزاداری به شیوه‌ی فرهنگی و قالب عزاداری سرزمین‌ها و ملت‌های مختلف وابسته است، که گاه روحيات و خلیقات یک قوم و ملت نیز، در شکل روایت و بازسازی و تفسیر حادثه مؤثر است. از این رو، همان گونه که زبان‌ها و الفاظ از قومی به قوم دیگر، و از سرزمینی به سرزمین دیگر متفاوت است، شیوه‌های عزاداری و شدت و ضعف آن و چگونگی

برداشت و تجسم نهضت عاشورا، می‌تواند براساس ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی آنان متفاوت باشد. بدین سان، فرهنگ عزاداری مردم عراق، پاکستان، اردن، بحرین، لبنان، ترکیه و نقاط دیگر جهان، هر یک به تناسب فرهنگ کلی مردمان آن، با یکدیگر متفاوت است. اگرچه این هم‌سازی میان گرمی‌داشت امام حسین علیه السلام و نهضت عاشورا، با فرهنگ عزاداری کلی یک ملت و سرزمین، طبیعی به نظر می‌رسد، باید نکته‌ای را در نظر داشت و آن، تلاش برای هماهنگ ساختن و قاعده‌مند کردن عزاداری سیدالشهدا علیه السلام، براساس فرهنگ یک ملت با فلسفه و اهداف و روح قیام است.

۱) **ضعف دانش و بینش عمومی جامعه؛** فقدان یا نقصان دانش و اندیشه در جامعه، زمینه‌ساز هرگونه انحراف و تحریفی است. در این زمینه، میزان و سطح سواد عمومی جامعه، عامل مهمی است. در این میان تعداد باسوادان جامعه، سطح سواد اقشار و گروه‌های سنی تأثیرگذار همچون جوانان، میانگین تحصیلات در جامعه، و نیز میانگین سواد نخبگان و سکان داران هدایت امور جامعه، اهمیت دارد. به یقین، در جامعه‌ای که بیشتر افراد آن، بی‌سواد و یا کم‌سواد باشند، میزان و شدت شیوع تحریفات و خرافات بسیار بالاست. از سوی دیگر، اظهار مطالب درست و علمی و عمیق از سوی عالمان آگاه نیز، به سبب نبود قدرت هضم و درک آنها دشوار است.

مسأله‌ی دیگر، که ارتباط محکمی با دانش عمومی پیدا می‌کند، بینش عمومی است که با سطح کیفی دانش و اطلاعات ارتباط دارد. هر چه سطح بینش و فرهنگ عمومی - که یکی از ارکان آن دانش است - بالا باشد، روحیه‌ی پرسش‌گری، نقادی و نقد‌پذیری و نیز درک و تحلیل موضوعات هم‌بالا‌تر خواهد بود که نتیجه‌ی آن از بین رفتن امنیت روانی برای طرح‌کنندگان مطالب سست و بی‌پایه و اعتلای جایگاه عالمان و واعظان آگاه و مصلح است.

۹) تفکر "هدف، وسیله را توجیه می‌کند"؛ برخی معتقدند ما هدفمان گریاندن و عزاداری است، برای رسیدن به این هدف، دروغ هم جائز است. این یک اصل شیطانی، از یک فیلسوف سیاست‌مدار در قرن شانزدهم در ایتالیاست (بنا به نقلی ماکیاولی فرانسوی). این یک اصل غیراخلاقی است که سیاست‌مداران دنیوی به آن عمل می‌کنند و می‌گویند که برای رسیدن به مقاصد سیاسی هر کاری مجاز است. برخی متأسفانه در مجلس عزاداری به این اصل عملاً پای بند شده‌اند. گفتیم که اصل این است که عزاداری کنیم، اصل این است که مصائب امام حسین علیه السلام زنده بماند و تا از این اصل صرف نظر نکنیم وضع همین خواهد بود که هست.

۱۰) دگرگونی فضای اجتماعی و تغییر در گفت‌وگو عاشرها؛ یکی از آسیب‌هایی که به شدت متوجه فرهنگ عاشرهاست، و می‌تواند منشأ تحریفات در عزاداری‌ها باشد، آسیبی است که از راه تغییرات زمانه به وجود می‌آید. از آن جا که فرهنگ عاشرها و عزاداری، سنتی اجتماعی در درون جامعه‌ی شیعی است، به ناچار ممکن است با تحول زمان، تغییر پذیرد. همین موضوع است که وظیفه‌ی اندیشوران و دل‌بستگان فرهنگ ناب عاشری را دوچندان می‌کند؛ اگر چه بی‌نهایت کاری سخت و سترگ به شمار می‌آید. اگر نگاهی به ادبیات منثور و منظوم عاشرها در دوره‌های مختلف بیفکنیم، خواهیم دید که تا حدود بسیاری، رابطه‌ای متقابل و متعامل میان رویکردهای عاشرها با وضع اجتماعی - سیاسی ویژه‌ی هر دوره‌ای وجود دارد. فرضیه این است که دگرگونی شرایط وضعیت و منطق هر زمان، تأثیری عمیق بر نگرش غالب مردمان آن عصر دارد و این تغییرات در سنت‌هایی اجتماعی به ویژه در سنت‌های دینی همچون فرهنگ عاشرها و عزاداری نقش بسزایی دارد.

۱۱) تبیین نشدن فلسفه‌ی صحیح قیام؛ یکی از عوامل بنیادین وقوع تحریف لفظی و معنوی و ورود آسیب‌های متعدد به ساحت فرهنگ عاشرها و عزاداری

سیدالشهدا علیه السلام عدم تبیین و تشریح آموزه‌های ناب عاشورایی و اهداف و فلسفه‌ی نهضت عاشورا در میان مردم است. این نقص متوجه نخبگان و دانشورانی است که مرجع توده‌های مردم به شمار می‌آیند که به طور عمیق و همه‌جانبه در عاشورا اندیشه نکردند و به درستی به تشریح و تبلیغ آن پرداختند؛ به تک بعدی نگری پرداختند یا میدان را به غیر اهل واگذاشتند. به همین سبب بود که فلسفه سازی‌های انحرافی در میان مردم و حتی در میان خواص رواج یافت و در ادبیات شعری و غیرشعری نیز تبلور یافت. این موضوع که خود یک تحریف معنوی عمده است، زمینه ساز بسیاری از تحریف‌های لفظی نیز قرار گرفت.

شهید مطهری علیه السلام در این راه، از دو فلسفه تراشی انحرافی برای قیام اباعبدالله علیه السلام نام می‌برد. نخست این که شهادت امام حسین علیه السلام، را کفاره گناهان امت و دوست‌داران عترت و هدف از قیام را، تنها آمرزش و شفاعت گناهکارانی که ولایت و محبت آن حضرت را دارند، دانسته‌اند (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۷۷).

این تفسیر از قیام، کاملاً شبیه به برداشت مسیحیان از - به زعم خود - کشته شدن حضرت عیسی علیه السلام و بلکه رونوشتی از آن است. «مسیحیت بر این باور بود که همان طور که مردم در آسیب وضعی گناه شرکت دارند، یک نماینده از بشریت می‌تواند کفاره‌ی این گناه باشد ... و عیسی علیه السلام کفاره‌ی آن آسیب را یک بار و برای همیشه محقق ساخت» (میشل توماس، ۱۳۷۷، صص ۸۷-۸۹).

۱۲) تمایل به اسطوره‌سازی و افسانه پردازی؛ تمایل بشر به افسانه پردازی و اسطوره سازی، از دیگر عوامل ایجاد و گسترش تحریف در تاریخ و فرهنگ عاشورا است. شاید شهید مطهری علیه السلام نخستین کسی باشد که این عامل را به عنوان یکی از عوامل تحریف برشمرده است.

ایشان می‌گوید: «در بشر یک حس قهرمان پرستی هست که در اثر آن،

درباره‌ی قهرمان‌های ملی و قهرمان‌های دینی افسانه می‌سازد ... قسمتی از تحریفاتی که در حادثه‌ی کربلا صورت گرفته، معلول حس‌ی اسطوره‌سازی است. اروپایی‌ها می‌گویند در تاریخ مشرق زمین، مبالغه‌ها و اغراق‌ها زیاد است و راست هم می‌گویند» (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۱).

شهید مطهری علیه السلام ابتدا به افسانه‌سازی‌هایی در مورد بوعلی سینا و شیخ بهایی اشاره می‌کند که بوعلی صدای چکش مسگرهای کاشان را از اصفهان می‌شنیده است (همان، ص ۴۴). و سپس موارد دیگری از این قبیل بیان می‌کنند. ایشان با دردمندی می‌گویند: «این حس اسطوره‌سازی خیلی کار کرده است. ما نباید یک سند مقدس را در اختیار افسانه‌سازها قرار دهیم ... ما وظیفه داریم حال برای هرات هر کس هر چه می‌خواهد بگوید، «ولی» آیا صحیح است در تاریخ حادثه‌ی عاشورا؛ حادثه‌ای که ما دستور داریم هر سال آن را به صورت یک مکتب زنده بداریم، این همه افسانه وارد شود؟» (همان، ص ۴۱).

۱۳) **برخورد عاطفی صرف با مقوله‌ی عزاداری**؛ شاید جدی‌ترین و اصلی‌ترین عامل ورود آسیب‌های متعدد در بنیاد و بنیان فرهنگ عاشورا، اکتفا نمودن به برخورد عاطفی صرف و دوری گزیدن از برخورد عقلانی با مقوله‌ی قیام و عزاداری باشد. این مسأله، سبب بروز تحریف وسیع لفظی و معنوی است که اندیشه‌ی اصیل عاشورایی و حسینی را به پژمردگی می‌کشانند.

بی‌شک در صحنه‌ی عاشورا، از سوی امام و یارانش، شاهد عاطفی‌ترین صحنه‌ها، و از سوی لشکریان کوفه، شاهد جنایت‌بارترین و دهشتناک‌ترین وقایع هستیم. از این رو، حادثه‌ی عاشورا، بعد عاطفی قوی‌ای دارد که از این جهت، می‌توان آن را یک تراژدی دانست. البته این تنها یک رویه از صحنه‌ی عاشوراست که در آن جنایت موج می‌زند. عاشورا صحنه‌ی دیگری نیز دارد که سرشار از حماسه و زیبایی است و حسین علیه السلام و یارانش قهرمان آن‌اند.



در فرهنگ عامه، بیشتر شاهد حضور پررنگ بعد ترازدیک عاشورا هستیم، به گونه‌ای که تا حدودی عرصه را بر بعد حماسی تنگ ساخته است.

۱۴) **تقدیرگرایی در تفکر دینی؛ تقدیرگرایی یا همان جبرانکاری** درباره‌ی قیام عاشورا، یکی از عوامل وقوع تحریف و ورود آسیب‌ها در حوزه‌ی فرهنگ عاشورا و عدم بهره بردن و تعمیم آن است. جدای از سابقه‌ی طولانی جبرانکاری و تقدیرگرایی در تفکر دینی - اجتماعی مردم، که در فرهنگ منشور و منظوم آنها تبلور یافته، باید از تلاش امویان در ترویج جبرگرایی به طور عام و تعبیر جبری حادثه‌ی عاشورا به طور خاص، یاد کرد. اولین سخن ابن زیاد در هنگام مواجهه زینب کبری علیها السلام این بود:

خدا را شکر که شما را رسوا کرد. خدا را شکر که شما را کشت و خدا را شکر که ادعاهایتان را باطل ساخت (ابن طاووس، بی تا، صص ۲۱۶-۲۱۷).

منطق ابن زیاد در این جا، به طور کامل، جبرگرایانه است. او می‌خواهد شهادت امام حسین علیه السلام را به تقدیر و خواست خدا حواله داده، بدین ترتیب، خود را مبرا و مقرب درگاه خدا جلوه دهد. به همین سبب است که شهید مطهری علیه السلام، منطق جبرگرایی را، منطق ابن زیاد می‌شمارد (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱، ۳۶۲). در واقع این چنین است که اولین گام تحریف، به وسیله‌ی قاتلان و جانان برداشته می‌شود.

این جبرنگری، همچون زهری در درون فرهنگ عاشورا بوده است و آن را به رکود، سکون، انفعال و جمود کشانده است. بر این اساس، درس آموزی و پندگیری از این واقعه و همچون حسین علیه السلام و زینب علیها السلام عمل نمودن، چندان معنایی نمی‌یابد.

۱۵) **تمسک به روایات تسامح در ادله‌ی سنن**، روش تحلیل تاریخ، غلو در اشعار و... نیز از جمله آسیب‌های رفتاری هستند که این مقاله گنجایش تبیین آنها

را ندارد.

## راهکارها و پیشنهادات

برای مقابله با این گونه از آسیب‌ها و آفت‌ها نکاتی قابل توجه است:

۱) توجه به فرمایشات امام راحل، خمینی کبیر<sup>علیه السلام</sup>؛ از کلمات امام راحل عظیم‌الشان<sup>علیه السلام</sup> استفاده می‌شود که از حدود ۶۰ سال پیش به این نکته هم توجه داشته‌اند؛ ایشان در این باره می‌فرماید: باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند باید این سنت‌ها را حفظ کنید. البته اگر چنانچه ناروایی بوده است سابق و دست اشخاصی بی‌اطلاع از مسائل اسلام بوده آنها یک قدری تصفیه شود، لکن عزاداری به همان قوت خودش باقی بماند (کشف‌الاسرار، بی‌تا، ص ۱۷۳).

۲) توجه به رهنمودهای رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)؛ از جمله این فرمایشات:

- عزاداری امام حسین<sup>علیه السلام</sup> به معنای زنده نگه داشتن و حفظ ارزش‌های معنوی الهی است.
- همه‌ی عزاداران از جمله گویندگان، وعاظ و مداحان باید مراقب باشند که شأن و جایگاه این حقیقت عزیز را حفظ کنند.
- مبادا برخی خرافه‌ها یا کارهای غیرمعقول، موجب ضایع شدن عزاداری امام حسین<sup>علیه السلام</sup> شود.
- لزوم وجود این سه ویژگی در عزاداری ماه محرم:
  - ۱) عاطفه را نسبت به حسین بن علی<sup>علیه السلام</sup> و خاندان پیغمبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> بیشتر کند؛
  - ۲) نسبت به حادثه‌ی عاشورا، باید دید روشن و واضحی به مستمع بدهد؛
  - ۳) نسبت به معارف دین هم ایجاد معرفت و هم ایجاد ایمان - ولو به نحو کمی - کند.

- چه لزومی دارد که ما به خیال خودمان برای مجلس آرایه کاری کنیم که اصل مجلس عزا از فلسفه‌ی واقعی‌اش دور بماند؟! عزاداری‌های سنتی است که باعث تقرب بیشتر مردم به دین می‌شود. قمه زنی خلاف شرع قطعی است. اگر کسی تظاهر به این معنا کند که بخواهد قمه بزند، من قلباً از او ناراضی‌ام (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۶/۲۹ و ۱۳۸۳/۹/۱۱).
- ۳) رعایت بایسته‌های عزاداری؛ رعایت بایسته‌ها در عزاداری نیز موجب می‌شود تا حدودی از ورود تحریفات جلوگیری شود. برای برگزاری یک عزاداری صحیح و مناسب که در پایان، تأیید و رضایت امام زمان ارواحنا فداه را داشته باشد، باید به نکاتی توجه داشت. از جمله‌ی این نکات عبارتند از:
  - برنامه‌ریزی صحیح برای مجالس (قرائت قرآن، سخنرانی، مرثیه خوانی و اطعام) طی فاصله‌ی زمانی مناسب برای استفاده از فرصت و نیز عدم ایجاد مزاحمت برای مردم؛
  - توجه به حقوق دیگران و پرهیز از بی‌نظمی و طولانی شدن عزاداری؛
  - رعایت اخلاص و تواضع و اجتناب از ریا و تظاهر؛
  - صرفه جویی در تمام زمینه‌ها؛
  - برخورد مناسب با عزاداران، به ویژه کودکان و نوجوانان؛
  - استفاده از سخنرانان معتبر و آگاه و عالم و نیز مداحان مطلع و خوش صدا؛
  - انتخاب نام‌های شایسته برای تکایا و هیئت‌ها؛
  - توجه به نماز و جلوگیری از تزیین آنها؛
  - توجه به ارزش‌ها و اصول اسلامی و شعائر دینی و پرهیز از بدعت‌ها و خرافات؛
  - اختصاص تکایا به بانوان برای عزاداری در فرصت‌هایی که آقایان در آن حضور ندارند؛

- رعایت امانت و دقت در مصرف صحیح وجوهات و نذورات؛
- احترام به بزرگان و پیشکسوتان و تکریم آنها و یادآوری اموات و دعا برای نیازمندان.

۴) **آشنایی با احکام عزاداری**؛ بدون شک معرفت و شناخت احکام عزاداری ما را از ورود ناخواسته به تحریفات بازخواهد داشت. برای آشنایی علاقمندان به مسائل شرعی عزاداری مواردی براساس فتاوی مراجع تقلید، حضرات آیات عظام امام خمینی رحمته الله علیه، فاضل لنکرانی رحمته الله علیه، تبریزی رحمته الله علیه، خامنه‌ای، بهجت، سیستانی، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی، وحید خراسانی و نوری همدانی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

- هروله کردن (بالا و پایین پریدن) در عزاداری اگر موجب وهن مذهب یا مؤمنین یا مراسم عزاداری باشد جایز نیست و در هر حال بهتر است مؤمنین مراعات شؤون عزاداری را بنمایند.
- ترک واجب به خاطر عزاداری

بدیهی است که نماز واجب، مقدم بر فضیلت شرکت در مجالس عزاداری است و ترک نماز و فوت آن به بهانه‌ی شرکت در عزاداری امام حسین علیه السلام جایز نیست، ولی شرکت در عزاداری به گونه‌ای که مزاحم نماز نباشد، ممکن و از مستحبات مؤکد است.

- تقدم نماز اول وقت به عزاداری
- بهتر است که نماز را مقدم بدانند. همان گونه که امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا نماز ظهر را اقامه کردند.

همچنین احکام مسائل دیگری از قبیل نحوه‌ی برگزاری مراسم سوگواری، تعزیه خوانی، نقل مطالب و وقایع غیرمستند در عزاداری‌ها، مداحی با آهنگ‌های مخصوص مجالس لهو و لعب، عزاداری تا نیمه‌های شب با آلات موسیقی، وارد

کردن ضرر جسمی به بدن، استفاده از زنجیرهای تیغ دار، برهنه شدن جهت سینه زنی، همراهی زنان در دسته‌های عزاداری، عزاداری در زمین غصبی، ریا در عزاداری و... که جهت آشنایی با احکام این مسائل خواننده گرامی را به منابع مربوطه (محمودی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۱۱) ارجاع می‌دهیم.

۵) باید این آسیب‌ها آن قدر از سوی بزرگان مطرح شود که ناهنجاری و ضد ارزش بودن این‌ها به صورت یک گفتمان و فرهنگ در آید. این هم نیاز به شجاعت دارد، هم آبرو دادن برای دین؛ نباید از جوسازی‌ها هراسید و باید به تکلیف عمل کرد.

۶) علما و دانشمندان نیز منابع مورد نیاز در خصوص مداحی، اشعار و... را تأمین کنند.

۷) آموزش مداحی در کشور سامان داده شود و این عرصه‌ی مقدس را از ابتدای موسیقی لهوی حفظ کنند.

۸) سازمان‌ها و نهادهای مربوطه تخلفات حرفه‌ای را معرفی کرده و خود شیوه‌ی برخورد را تبیین کنند.

۹) در مناسبت‌های ویژه هم شعر و هم سبک جدید مناسب را به مداحان عرضه کنند.

۱۰) نکته‌ای که منتقدان نیز باید مورد توجه قرار دهند آن است که پیوسته در بیان و نقد این آسیب‌ها توجه داشته باشیم که اصل عزاداری آسیب نبیند. نباید به گونه‌ای انتقاد کرد که برپا کننده‌ی مجلس، از مداح و خطیب و مانند آن به کلی دلسرد شوند، بلکه باید به تدریج مقابله صورت بگیرد بسیاری از این نابسامانی‌ها با نصیحت و موعظه و منطق قابل حل است، نباید به گونه‌ای برخورد شود که موجب لجبازی بیشتر گردد.

## منابع و مأخذ

- ۱) ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۶)، مقدمه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲) سید ابن طاووس (بی تا)، لهورف، ترجمه‌ی عباس عزیزی، بی جا.
- ۳) شیخ مفید (بی تا)، امالی، بی جا.
- ۴) کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا)، اصول کافی، تهران.
- ۵) محمودی، سید محسن (۱۳۸۱)، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۶) مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، حماسه حسینی، تهران، انتشارات صدرا.
- ۷) بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۷۷/۷/۱۹ و ۱۳۷۹/۶/۲۹ و ۱۳۸۳/۹/۱۱.
- ۸) بی نا (بی تا)، کشف الاسرار، قم، انتشارات مصطفوی.
- ۹) روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۳/۵.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی